بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

وَ لَقَدْ اَرسَلْنا موسی بِایاتِنا اَنْ اَخرِجْ قَومَکَ مِنَ الظُّلُماتِ اِلی النّورِ وَ ذَکِّرْهُم بِاَیّامِ الله[1]

آغازین روزهای ماه مهر، یادآور ایّام الله و پدیدهٔ عظیم و ماندگار دفاع هشت سالهٔ جانانهٔ ملّت ایران در جنگ تحمیلی اوّل است. در آن روزها تابش گرم خورشید انقلاب در پهنهٔ سرزمین ایران، حسّ مطبوعی از همبستگی ملّی و وفاداری به مکتب و مرام اسلام انقلابی می‌پراکنْد که از اثر آن یخ‌های سلطه‌گری و استعمار کهن و نوین در حال ذوب شدن بود. در آن روزها بعضی از مردم ایران خاطرات بیست و چند سال قبل از آن در بدخواهی استعمارگران و حوادث مربوط به ملّی‌سازی صنعت نفت و کودتای امریکایی را به یاد داشتند. بعضی دیگر اخبار آن را شنیده بودند و بسیاری از ایشان این واقعیّت که تسلّط اجنبی بر شؤون کشورمان چه‌ها بر سر آن آورده بود را به‌خوبی لمس کرده بودند. امّا روزهای قبل از آن، روزهایی تیره و تار بود که سفیران دولتهای مستکبر بایدها و نبایدها را به شاه مملکت ابلاغ می‌کردند و او هم با رغبت یا با بی‌میلی همان‌ها را اجرا می‌نمود تا آنکه انقلاب عظیم ملّت ایران به رهبری حضرت امام خمینی(ره) آن بساط را برهم زد. آن روزهای تیره در اثر این انقلاب به روزهای پر نورِ برقراری جمهوری اسلامی ایران انجامید. این امر بر سلطه‌گرانی که چشم طمع به ثروتهای این سرزمین دوخته بودند و سالها برای از آنِ خود کردن آن، انواع بدی‌ها را در حقّ مردمان آن روا داشته بودند، بسیار گران می‌آمد. بنابراین از آن پس همهٔ همّ و تلاش خود را برای برگرداندن جریان رود خروشان ملّت انقلابی به سَمت سابق به‌کار بستند و جنگ تحمیلی اوّل، مهمترین اقدام آنان در دههٔ نخست حیات مبارک جمهوری اسلامی بود.

از دل آتش آن جنگ که به‌دست حزب ضدّ مردمی بعث و با توهّم جنگی چند روزه و به دست آوردن پیروزی‌ای کم‌زحمت افروخته شده بود، نظام اسلامی برومندتر و قوی‌تر از قبل، ققنوس‌وار برخاست با صدایی رساتر و پروازی بلندتر از سابق؛ و این خصلت مستمرّ این نظام در حوادث دشمن‌ساختهٔ بعدی شد.

آن روزهایی که دشمن این ملّت نوکران خود را بر ایشان مسلّط ساخته بود و شکلی نوین از استعمار را اِعمال می‌نمود، به برکت انقلاب و برافراشتن پرچم اسلام و جهاد در بستر جنگ تحمیلی، به روزهایی پرافتخار تبدیل شد که هنوز پس از گذر ۳۸ سال از انتهای آن، از ملاحظهٔ جزء جزء حوادث آن و روایت‌های صادقانهٔ بازماندگانش، اسوه‌هایی که هر یک درس‌آموز عبادت، شجاعت، مقاومت، اخلاق، و انسانیّت هستند، همچون ستارگانی درخشان بر تارَک تاریخ کشورمان رخ می‌نمایند.

آن روزهایی که در آغاز تهاجمات دنباله‌های نظام سلطه، کشورمان برای دفاع از خود در مقابل بسیاری از تهدیدات، دستانی خالی را از نظام طاغوت به ارث برده بود، به برکت اقامهٔ حق و امداد الهی، اینک به روزهایی رسیده است که خودِ سلطه‌گران متجاوز، و نه دنباله‌رُوان آنان، در مقابل حملات رزمندگان اسلام، جان‌پناهی می‌جویند و دست التماس به تَرک جنگ برمی‌دارند.

آن روزهایی که آنان دوست دارند کشور ما را به آن برگردانند، روزهایی بود پر از عقب‌ماندگی، ذلّت و خواری، وابستگی، و بدنامی ایران در جهان اسلام؛ و این روزهایی که در آن هستیم پُر است از پیشرفت، عزّت، استقلال، و قدرِ اَعلای اعتبار در جهان اسلام و بلکه کلّ جهان. امروز کسانی ما را ابرقدرت چهارم دنیا می‌دانند. البته آنان بر اساس محاسبات دنیایی چنین می‌گویند؛ ولی محاسبات الهی، کشوری که خود را متعلّق به عترت طاهره صلوات‌الله و سلامه‌علیهم‌اجمعین می‌داند و عمدهٔ مردمانش دلبستهٔ آن والامقامانند و برای اقامهٔ حق هراسی ندارند را قدرت اوّل جهان می‌داند.

---

[1] قرآن کریم، سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۵

آن روزها دو دریای جنوب ایران، جولانگاه نیروهای دشمن بود، ولی این روزها آنان به‌خاطر ضربات دردآوری که از رزمندگان دلاور و محافظان تنگهٔ هرمز خورده‌اند، از دریای عرب جلوتر نمی‌آیند و هرگاه این خطر را به‌جان خریده‌اند، آسیبی به‌خود وارد نموده‌اند؛ و زود است که دریای عرب هم خود را از آنان خالی کند.

روزهایی بود که سلطه‌گران با عملیات روانی و ایجاد فضای اِرعاب، خیابان‌های پایتخت را خلوت ساخته و کودتایی علیه استقلال‌جویی این ملّت به راه انداختند و پس از آن ۲۵ سال ثروت‌های این مملکت را غارت کردند؛ ولی این روزها هفت ماه است هموطنان ما میادین و خیابان‌ها را در سراسر کشور به حضور مسئولانه و پرشور خود زینت بخشیده‌اند تا دل رزمندگان اسلام گرم باشد و دشمن در هراس فرو رود. همچنان‌که بیش از ۳۰ میلیون ایرانی، جانفداییِ خود را اعلام نمودند و آنگاه که برای نوعی سازماندهی بنابر اعلام مجدّد حضور ایشان بود، تنها در ظرف ۱۰۰ دقیقهٔ نخست، بیش از پانصد هزار نفر ظرفیت خواسته شده را تکمیل کردند. هم اکنون در سرتاسر ایران اسلامی که مزیّن به حضور ایرانیان از اقوام متنوّع است، اعلام آمادگی‌های مختلف و به‌خصوص آمادگی‌های مسلّحانه وجود دارد تا آوردگاهی بسازد که ایشان را نام، و دشمن‌شان را ننگ نصیب کند.

روزهایی بود که عنصر دلیری مردمان این مرز و بوم، با مردانش شناخته می‌شد؛ امّا اینک در روزهایی هستیم که بانوان در بعضی از عرصه‌های حضور دلیرانه، از مردان سبقت می‌گیرند.

روزهایی بود که دشمن سعی کرده بود عقبهٔ اجتماعی نظام را دائماً ضعیف‌تر سازد ولی در این روزها انواع اقشار جامعه با تفاوت‌های آشکار، بر حفظ مواضع بحقّ خود و از جمله حفظ تنگهٔ پر خیر و برکت هرمز پای می‌فشارند.

این مقایسه بین روزهای سابق و روزهای حال باز هم قابل بسط و توضیح است، ولی در یک کلام، بنده به‌عنوان خادم مردم عزیز ایران اعلام می‌کنم که آن روزهای سابق که دشمن ما آرزوی بازگشت به آن را دارد، گذشت و دیگر هیچگاه تکرار نخواهد شد. و البته باید با درد و اندوه یادآور شَوَم که در این روزها جای خمینی کبیر و خامنه‌ای عظیم‌الشّأن شهید اعلی‌الله‌مقامهماالشّریف که عزّت امروز کشور، وامدار رهبری‌های آنان است، بسیار خالی است. ولی به برکت گنجینهٔ ارزشمندی که از عملکرد و کلمات درخشان و هدایت‌بخش ایشان برای پیروان‌شان به‌جا مانده، روزهای آینده به‌مراتب شکوهمندتر از این روزها خواهد بود. زیرا آن ققنوسی که از خرمن آتش جنگ تحمیلی اوّل برآمد، اینک در اثر فشارهای دشمن و به‌خصوص دو جنگ تحمیلی اخیر، آن‌چنان بزرگ شده است که سایهٔ پروازش بر سرزمین‌های دشمن هم افتاده است.

در این مجال بسیار بجا است که به‌مناسبت دوّمین سالگرد شهادت امیر قهرمان عرب و نماد بزرگ جبههٔ مقاومت، شهید عالی‌قدر جناب سیّد حسن نصرالله قدّس‌الله‌نفسه‌الزّکیّه، یادی از آن‌جناب به‌عمل آید. کسی که خیرخواهی صادق برای ملّت خود و مکتبش بود و خطبه‌های صادقانه و با حلاوت او و اقدامات شجاعانه‌اش، قلوب مردمانش و بلکه آزادگان جهان را مستحکم می‌ساخت. کسی که نام لبنان را که کشوری کوچک است و سال‌ها حیاط خلوت بعضی قدرت‌ها شده بود را به عظمت بلند ساخت. کسی که نصرت و فتح، همراهان دائمی او بودند و کسی که بی‌تردید در طول کلّ تاریخ شامات تا کنون، پس از انبیاء و اوصیاء ایشان، رَجُلی به عظمت او در آن خطّهٔ کهن سر بلند نکرده بود. و البته اینک پرچم پرافتخار او در دستان جناب شیخ نعیم قاسم حفظه‌الله است که دلیرانه در پیشاپیش صفوف مستحکم و عاشورایی حزب‌الله، راه او را همچنان ادامه می‌دهند.

این روزهای لبنان در پیشگاه تاریخ و بلکه از همین حال، روزهایی برجسته و پرافتخار برای ایشان و همهٔ مجاهدان مقاومت، و روزهایی ذلّت‌آفرین و نهایتاً سرافکنده‌کننده برای آن کسانی است که در مقابل دشمن صهیونی چشم امید به وعده‌های دروغین سلطه‌گران و

بدخواهان خود دوخته‌اند. کسانی که بر خلاف سیّد شهید مقاومت و سیّد هاشم صفی‌الدّین و مجاهدان کنونی مقاومت که در استمرار زمان چون اختراني تابناک نورافشانی خواهند کرد و راهنمای رهجویانِ مانده در حیرت‌ها خواهند بود، خیلی زود و در اوّلین تورّق صفحات تاریخ، مدفون و فراموش خواهند شد و هرگاه در آینده یادی از ایشان به‌میان آید، یادآور بدی و بی‌تدبیری و حتّی شاید خیانت خواهند گردید.

در پایان امیدوارم با استمرار تفضّلات الهی و دعای خاصّ سَرورمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشّریف و ارواحنا فداه، ملّت ایران و همهٔ یاران مقاومت، جز با نصر و فتح و عزّت، و دشمنان‌شان جز با شکست و خواری مواجه نشوند؛ بمنّ‌ِالله و کرَمه.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

۶/مهر/1405